

صادرات رنجور از کامیون‌های یخچال دار فرسوده، توقف‌های فرساینده و ضایعات

مسلخ بروکراسی در صفر مرزی



آب شیرین و دلاری که تبدیل به زباله مرزی می‌شود

گزارش‌های نهادهای پژوهشی و داده‌های متقاطع تشکل‌های صادراتی نشان می‌دهد که سالانه رقمی نزدیک به بیست تا سی و پنج میلیون تن از محصولات باغی و زراعی کشور پیش از آنکه به سفره مصرف‌کننده داخلی یا خریدار خارجی برسد، به زباله تبدیل می‌شود. این حجم عظیم از ضایعات تنها یک مفهوم کشاورزی ندارد؛ این یعنی حداقل سیزده میلیارد مترمکعب آب شیرین تجدیدپذیر، میلیون‌ها لیتر گازوئیل بارانه‌ای ناوگان حمل‌ونقل، میلیاردها تومان کود و سم بارانه‌ای و ساعت‌ها انرژی نیروی انسانی، بدون آنکه حتی یک سنت درآمد ارزی خلق کنند، در میان مگس‌های اطراف کانکس‌های گمرکی تجزیه می‌شوند. اگر این داده‌ها را کنار ادعاهای متداول مبنی بر توسعه سهم تجارت خارجی بگذاریم، تناقض زنده‌ای آشکار می‌شود؛ ما با با ارزش‌ترین منابع سرزمینی‌مان محصول تولید می‌کنیم، اما تشریفات خروج آن را شبیه به خروج یک محموله آجر سفال یا بلوک سیمانی مدیریت می‌کنیم.

ابلاغیه‌هایی که بازار را دودستی به تر کبه می‌بخشد

اما این فقط نیمی از کابوس است. نیم دیگر آن در راهروهای شیشه‌ای نهادهای تصمیم‌ساز پایتخت رقم می‌خورد، جایی که بخشنامه‌ها تندتر از حرکت گوجه‌فرنگی‌ها روی نوار نقاله صادر می‌شوند. بازرگان بخش کشاورزی با خریدار روس یا اماراتی قراردادی با سررسید معین و تعهد تحویل هفتگی امضا کرده است. درست در شبی که چهل کانتینر بارگیری شده و در مسیر مرز قرار دارد، ناگهان خبر می‌رسد که به دلیل گران شدن پنج هزار تومانی سیب‌زمینی یا گوجه در میادین میوه و تره‌بار تهران، وزارتخانه مربوطه عوارض سنگین هفتاد درصدی یا ممنوعیت مطلق صادرات وضع کرده است. برای خریدار خارجی در سن‌پترزبورگ یا سلیمانیه، «تنظیم بازار داخلی ایران» هیچ معنایی ندارد؛ او فقط می‌داند شریک ایرانی‌اش به تعهد خود عمل نکرده است. در دنیای بی‌رحم تجارت جهانی، جای خالی شما حتی بیست و چهار ساعت خالی نمی‌ماند؛ بلافاصله سفارش‌ها به شرکت‌های مستقر در آناتلیا، مرسین ترکیه یا صادرکنندگان قاهره منتقل می‌شود. بازرهایی که سال‌ها با ریزنی، اعزام هیئت‌های تجاری و تحمل زیان اولیه به دست آمده بودند، با یک ابلاغیه چندخطی اداری برای همیشه تقدیم رقبا می‌شوند.

خروج تاجار ریشه‌دار و جولان دلالان با کارت‌های عاریه‌ای

پیامد غیرقابل انکار این سرکوب قیمتی و مقررات ناسازگار، حذف تدریجی تاجران شناسنامه‌دار و کهنه‌کار از میدان صادرات بوده است. بازرگانی که اعتبار پنجاه‌ساله دارد، به دلیل ناتوانی در رفع تعهدات ارزی صوری تعیین‌شده از سوی گمرک، با خطر مسدودی حساب، تعلیق کارت بازرگانی و پرونده‌های تعزیراتی مواجه می‌شود و ناگزیر صحنه را ترک می‌کند. در غیاب این افراد، فضایی خاکستری شکل گرفته است که بازیگران اصلی آن دلالان مجهز به کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف هستند. هویت‌های اجاره‌ای متعلق به افرادی کم‌بضاعت که هیچ شناختی از تجارت ندارند، کوتا‌های صادراتی را ثبت می‌کنند، بار بدون استاندارد را روانه مرز می‌سازند و پس از اتمام فصل، بدون بازرگاندن حتی یک دلار، کارت را به حال خود رها می‌کنند. نتیجه این چرخه معیوب نه تنها محروم شدن خرانه‌کنور از بازگشت واقعی ارز است، بلکه اعتبار برند ملی کشاورزی ایران را نیز در بازارهای مقصد لکه‌دار می‌کند.

شاه کلید توسعه پساچنگ

دوران پساچنگ و ورود به فاز ثبات اقتصادی، در تمامی الگوهای توسعه جهانی، بر مدار دو اصل اساسی بازتعریف شده است: پیش‌بینی‌پذیری مقررات و چابک‌سازی گلوگاه‌های جریان کالا. در اقتصادی که در پی عبور از بحران‌ها و ترمیم زخم‌های تحریمی است، صادرات کشاورزی سریع‌ترین و نقدشونده‌ترین منبع تامین نقدینگی بخش خصوصی به شمار می‌رود؛ صنعتی که بر خلاف پتروشیمی‌ها یا صنایع بالادستی، اشتغال توده‌ای روزمندی و امنیت معیشتی کف هرم اجتماعی را تضمین می‌کند اما استمرار رویه‌های سنتی و ناهماهنگی بین دستگاهی، این مزیت طبیعی اقلیمی را به یک بازی با حاصل جمع صفر بدل کرده است. تا زمانی که مقررات

صادراتی کشور نتواند تفاوت بین یک کانتینر فولاد زنگ‌زن با یک سبد توت‌فرنگی یا گیلان نورسیده را فهم کند، چرخه معیوب تخریب سرمایه در ایستگاه‌های بازرسی مرزی ادامه خواهد داشت.

چهارشنبه
۲۹ مهر ۱۴۰۵
۱۰ جنای‌الاول ۱۴۴۶
۱۱ اکتبر ۲۰۲۶
شماره ۲۱۶۰
پیاپی ۴۴۷۸

صادرات با بخشنامه رشد نمی‌کند



رجم م‌تفایی - رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی همدان

صادرکننده ایرانی پیش از آنکه در بازارهای جهانی با رقیب خارجی پنجه در پنجه افکند، ناچار است با نااطمینانی‌های درون‌مرزی دست‌وپنجه نرم کند؛ از مقررات دست‌وپاگیر و دشواری‌های تأمین مالی و محدودیت‌های ارزی گرفته تا سرسام هزینه‌های حمل‌ونقل و ناپایداری در تأمین مواد اولیه، همه و همه موانعی است که می‌تواند در مسیر فعالیت او قرار گیرد. در چنین فضایی، حتی تولیدکننده‌ای که محصولی کاملاً رقابتی در چنته دارد، نمی‌تواند با اطمینان خاطر برای قیمت تمام‌شده، زمان تحویل و تداوم قراردادهای برون‌مرزی خود برنامه‌ریزی کند. اینجااست که مسأله صادرات از حد و مرز ظرفیت‌های تولیدی فراتر رفته و مستقیماً به کیفیت و عیار سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی گره می‌خورد.

واقعیت این است که توسعه صادرات با تکرار توصیه‌های کلی به تولیدکنندگان یا تزریق مشوق‌های مقطعی و دستوری محقق نمی‌شود. صادرات پایدار زمانی شکل می‌گیرد که بنگاه اقتصادی بتواند هزینه‌ها و ریسک‌های معامله را به دقت محاسبه کند، به تعهدات خود در قبال خریدار خارجی وفادار بماند و برای تکرار فروش و نه شروع دوباره از نقطه صفر طرح و برنامه داشته باشد.

نخستین و بنیادین‌ترین الزام در این مسیر، «پیش‌بینی‌پذیر کردن مقررات» است. تغییرات ناگهانی و شبانه در ضوابط تجاری و ارزی، محاسبات دقیق یک قرارداد بین‌المللی را یک‌شبه بر هم می‌زند و اعتبار فروشنده ایرانی را نزد مشتری خارجی مخدوش می‌سازد. اصلاح سیاست‌ها اگرچه امری ضروری است، اما باید با اعلام قبلی، پیش‌بینی دوره گذار متناسب و تعیین تکلیف روشن برای تعهدات قبلی صورت گیرد. پیشنهاد مشخص فعالان اقتصادی این است که تصمیمات مؤثر بر حوزه صادرات، پیش از اجرا از منظر میزان تأثیرگذاری بر هزینه تولید، تعهدات قراردادی و امکان رقابت‌پذیری ارزیابی شوند و دستگاه‌های مسئول نیز دلایل و پیامدهای این تصمیمات را به صورت شفاف به جامعه اقتصادی اعلام کنند.

دومین چالش جدی، لزوم تناسب سیاست‌های ارزی با واقعیت‌های عینی تجارت است. بی‌شک، بازگشت از حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد کشور یک ضرورت انکارناپذیر است. اما باید مثال تخلف عمدی و ناآخیرهای ناشی از محدودیت‌های انتقال پول، سایه سنگین تحریم‌ها یا شرایط پیچیده تسویه حساب در بازار مقصد، مرز مشخصی قائل شد. سیاست کارآمد باید هم‌زمان دو هدف را محقق کند: حفظ ابزارهای نظارتی برای مقابله با تخلفات و عدم درگیر کردن صادرکنندگان خوش‌سابقه در رویه‌های ملال‌آور و غیرمتناسب. تعریف روش‌های قانونی متنوع برای رفع تعهد ارزی، رسیدگی زمان‌مند به پرونده‌های اختلافی و تفکیک دقیق پرونده‌ها بر اساس مستندات، راهکاری است که می‌تواند هم‌زمان هزینه مبادله را کاهش داده و اثربخشی اجرای مقررات را دوچندان کند.

سومین ضلع این مثلث، ضرورت آغاز صادرات از درون کارخانه است، نه از سالن نمایشگاه‌ها. ناترازی‌های انرژی، فرسودگی تجهیزات و ماشین‌آلات، کمبود شدید سرمایه در گردش و ضعف در فرآیندهای استانداردسازی، مستقیماً قیمت تمام‌شده، کیفیت محصول و زمان تحویل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. حمایت‌های دولتی باید به‌جای توزیع پراکنده و جزیره‌ای منابع، بر ارتقای بهره‌وری، نوسازی خطوط تولید، تأمین مالی سفارش‌های صادراتی و اخذ استانداردهای سخت‌گیرانه بازارهای هدف متمرکز شود. معیار تخصیص و ارزیابی این حمایت‌ها نیز باید نتایج ملموسی چون افزایش ارزش افزوده داخلی، تداوم قراردادهای تنوع‌بخشی به بازارهای مقصد و رشد صادرات محصولات فراوری‌شده باشد.

در کنار تولید رقابتی، «بازارسازی حرفه‌ای» یک ضرورت حیاتی است. حضور تشریفاتی در نمایشگاه‌ها یا اعزام هیئت‌های تجاری، به‌تنهایی مشتری پایدار خلق نمی‌کند؛ بلکه بنگاه باید شناخت عمیقی از تقاضای بازار مقصد، مقررات وارداتی، قیمت رقیبان، هزینه‌های ترانزیت، شیوه‌های پرداخت و شبکه توزیع آن دیار داشته باشد. در این میان، اتاق‌های بازرگانی می‌توانند با ایجاد کنسر-سیوم‌های صادراتی، تجمع توانمندی بنگاه‌های کوچک و متوسط، ارائه داده‌های عملیاتی بازار و اتصال تولیدکنندگان به شبکه توزیع‌کنندگان معتبر، هزینه ورود به بازارهای جدید را به حداقل برسانند.

برای عبور از مرحله مطالبه‌گری‌های کلی و مبهم، تدوین برنامه‌ای عملیاتی برای رفع موانع صادراتی ضروری است؛ برنامه‌ای که در آن هر مشکل دارای یک دستگاه مسئول مشخص، مهلت اجرایی معین و شاخص‌های ارزیابی دقیق باشد. اتاق‌های بازرگانی نیز رسالت دارند مسائل و چالش‌های بنگاه‌ها را به صورت مستند رد کرده و نتایج پیگیری‌های خود را به‌صورت دوره‌ای در اختیار فعالان اقتصادی قرار دهند. سنجش عیار موفقیت این برنامه نه با تعداد جلسات و بخشنامه‌های صادرشده، بلکه با کاهش هزینه و زمان فرایند صادرات، افزایش قراردادهای تکرارشونده و گسترش بازارهای پایدار معنا می‌یابد.

اگرچه تحریم‌ها و محدودیت‌های فرایزنده بین‌المللی واقعیت‌های تلخ و سنگینی در پیکره تجارت ایران هستند، اما نمی‌توان و نباید تمام هزینه‌ها و ناکامی‌های صادرات را به پای آن‌ها نوشت؛ بخش عمده‌ای از این موانع، معلول تصمیماتی است که به‌افزایی بیشتر و اصلاح رویه‌های داخلی، به‌آسانی قابل تعدیل و کاهش‌اند.

تصویر تریلرهای یخچال‌داری که موتورهای برودتی‌شان زیر آفتاب مرز آستارا، پرویزخان یا مهران با خستگی ناله می‌کنند و قطره‌های آب گندیده از لای درهای عقبی روی آسفالت داغ پایانه می‌چکد، صحنه جدیدی نیست؛ اما این روزها و درست در بزنگاهی که اقتصاد کشور بیش از هر زمان دیگر برای جبران ناترازی‌های کلان به دلار حاصل از صادرات غیرنفتی نیاز دارد، این تصویر معنای مرگبارتری به خود گرفته است. بخش کشاورزی و صادرات تره‌بار ایران سال‌هاست میان چرخ‌دنده‌های بی‌رحم سه ضلعی مخرب گر‌فشار آمده است: سامانه‌های اداری کند، بخشنامه‌های ناگهانی تنظیم بازاری که شبانه اعتبار صادرکننده را دود می‌کنند، و الزاماتی سخت‌گیرانه برای پیمان‌سازی ارزی که بدون درک ماهیت کالای فسادپذیر، تزار تجارت خاک را با کارخانجات فولاد و پتروشیمی اشتباه گرفته است. حاصل این موازنه معکوس، چیزی جز دور ریخته شدن بیست تا سی درصد دسترنج کشاورز در پای تیرک‌های مرزی و واگذاری مفت و بی‌دردسر بازارهای بکر منطقه‌ای به رقبایی نظیر ترکیه، مصر و آذربایجان نبوده است.

مسلخ میوه‌های نورسیده

داستان از پایانه‌های بارگیری در دشت‌های حاصلخیز جیرفت، دزفول یا باغات مراغه آغاز نمی‌شود؛ فاجعه درست در جایی رقم می‌خورد که مهر خروج باید بر اسناد تجاری کوبیده شود. جایی چند صد متر مانده به خاک کشور همسایه. راننده‌ای که بار فلفل دلمه‌ای، خیار گلخانه‌ای، کیوی یا سیب‌زمینی را با وسواس از زمین چیده و بار زده، ناگهان در گره کور اسنادی به نام قطعی سامانه گمرک، معطلی نوبت‌دهی باسکول، انتظار برای تنها دستگاه اسکن ایکس‌ری پایانه

زنجیره سردی که خود منشا گرماست

نقطه کور ماجرا دقیقاً در زنجیره لجستیک نهفته است؛ زنجیره‌ای که در ادبیات تجارت بین‌الملل به آن زنجیره سرد می‌گویند اما در شاهراه‌های صادراتی ما به یک تراژدی فرسوده تبدیل شده است. بخش اعظمی از ناوگان یخچال‌دار ایران متکی به تریلرهایی با میانگین سنی بالای پانزده تا بیست سال است؛ دستگاه‌های سرمایه‌شی قدیمی که موتور آن‌ها توان نگه داشتن دمای ثابت در توقف‌های چهل‌وهشت ساعته تابستانی را ندارند. راننده برای صرفه‌جویی در گازوئیل یا به‌خاطر ترس از سوختن

پتروشیمی کجا، تره‌بار کجا؟

از سوی دیگر، معمای حل‌نشده پیمان‌سازی ارزی استخوان لای زخم کهنه صادرکنندگان شناسنامه‌دار است. مقررات‌گذار مالی کشور از سال‌ها پیش قاعده‌ای یکدست تدوین کرد: هر کالایی که از مرز خارج می‌شود باید ارز خود را بر اساس نرخ‌های تاییدشده در سامانه‌های رسمی به کشور بازگرداند. این فرمول شاید برای پتروشیمی بزرگی که گاز و خوراکش را رایلی می‌گیرد و محصول نهایی‌اش در بازارهای رسمی ثبت می‌شود منطقی باشد، اما چه نسبتی با بازار سنتنی میوه در نجف، بصره یا هرات دارد؟

تاوان سنگین نظارت‌های جزیره‌ای

باید به مساله گره‌خوردن استانداردهای سلامت نباتی با ضعف‌های اداری نیز اشاره کرد. بارها در سال‌های گذشته شاهد بازگشت دردناک محموله‌های فلفل، پسته، گوجه و کیوی از مبادی گمرکی روسیه، هند یا کشورهای حوزه خلیج‌فارس بوده‌ایم. خطای استراتژیک در این میان، عدم یکپارچگی میان سازمان حفظ نباتات، معاونت باغبانی، غذا و دارو و گمرک است.

کنترل کیفیت باید در مرحله مزرعه و قبل از بسته‌بندی با رهگیری آزمایشگاهی سموم دفع آفات انجام شود، نه اینکه

صادرات در هزار توی مقررات پیش از جنگ

احمد عشقان‌ملک، عضو کمیسیون کشاورزی اتاق ایران با تأکید بر نقش صادرات بخش خصوصی در بهبود شرایط اقتصادی کشور به **سمت** گفت: با وجود پیامدهای جنگ بر فعالیت بنگاه‌ها، قوانین و مقررات صادرات و واردات همچنان بر مبنای شرایط پیش از جنگ اجرا می‌شود و محدودیت‌های ارزی، از جمله دشواری استفاده از ارز حاصل از صادرات، فعالیت تولیدکنندگان و صادرکنندگان را با مشکل مواجه کرده است. تغییر شرایط اقتصادی پس از جنگ، بازنگری در مقررات و سازوکارهای پشتیبان تولید و تجارت را ضروری می‌کند. در چنین وضعیتی، فعالان اقتصادی برای تصمیم‌گیری درباره ادامه تولید، سرمایه‌گذاری و تأمین کالا به سیاست‌های روشن و قابل پیش‌بینی نیاز دارند. وی با اشاره به ضرورت توجه به الزامات رشد اقتصادی و توسعه محیط کسب‌وکار در دوره پساچنگ، گفت: بخشی از اقدامات موردنیاز برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، از جمله تأمین نقدینگی و تسهیل فرایندهای گمرکی برای واردات و صادرات، انجام شده است؛ اما اقدامات لازم برای متناسب‌سازی مقررات با شرایط جدید هنوز به‌طور کامل صورت نگرفته است. این فعال اقتصادی تأکید کرد: قوانین جاری همچنان بر اساس شرایط پیش از جنگ تنظیم شده‌اند و مقررات جدیدی که وضعیت تولیدکنندگان و صادرکنندگان را در دوره پساچنگ در نظر بگیرد، تدوین نشده است.

بلاکچینی مقررات، تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را دشوار کرده است
عضو کمیسیون کشاورزی اتاق ایران با اشاره به تداوم آثار

سخن پایانی

در نهایت باید پذیرفت که احیای اقتصاد و تثبیت درآمدهای پایدار ارزی، بدون پذیرش منطق واقعی بازار و جراحی بروکراسی فرسوده تجاری سربای بیش نیست. خاک و آفتاب این سرزمین در شرایطی سخت، بهترین میوه‌ها را بار می‌آورد، اما ماشین‌ناکارآمد اداری و تصمیم‌گیری‌های پشت‌دره‌ای بسته، آن را در چند قدمی مرزها به بار گندیده بدل می‌کند. اگر دولت و نهادهای سیاست‌گذار واقعاً به دنبال تنوع‌بخشی به صادرات غیرنفتی و نجات اقتصاد در سال‌های حساس پیش رو هستند، باید پیش از هر چیز شجاعت دست زدن به اصلاحات ساختاری را داشته باشند؛ پذیرش واقعیت تسویه ارزی با همسایگان، سرمایه‌گذاری فوری در نوسازی زنجیره سرد ترانزیتی و ممنوعیت قطعی صدور بخشنامه‌های یک‌شبه. مرزهای تجاری کشور باید به گذرگاه‌های سریع و امن صادرات ارزش افزوده تبدیل شوند، نه توقف‌گاه‌های ابدی و مدفن خاموش دسترنج کشاورزان ایرانی.